



کمونیستها هرگز به مردم دروغ نمی گویند.  
کمونیستها هرگز به صاحبان قدرت تکیه نمی کنند.  
کمونیستها فقط به قدرت طبقه کارگر و سایر زحمتکشان  
و روشنفکران انقلابی متکی هستند.

ولادیمیر لنین

شماره ۱۱

آبان ۱۳۸۶

ارگان سازمان رزمندگان آزادی طبقه کارگر

### جبهه ضد جنگ، جبهه انقلاب!

این روزها ظاهراً متعاقب حدت یابی مشاجرات جنگی هر دم طرح و آلترناتیوهای جدیدی در ارتباط با جنگ فریب الوقوع و چگونگی مقابله با آن انتشار مییابد. در کنار بسیاری از طرحهای گذشته که از سوی برخی احزاب و گروهها انتشار یافته بود، حزب حکمتیست نیز با انتشار بیانیه اش خواهان دفاع از "مدنیت" جامعه ایران شد و نوعی مسئله تشکیل جبهه ضد جنگ را مطرح نمودند. اکنون ما در کنار "راه حل سوم" شورای ملی مقاومت، و "نه به جنگ، نه به جمهوری اسلامی" حزب کمونیست کارگری، و سایر جریانها که خط مشی خود را در چهارچوب همان خط سوم توجیه و تبیین میکنند، با راه حل جبهه دفاع از مدنیت مواجه ایم. بدون تردید کوچکترین نشانه ای از تعلق خاطر به مسئله انقلاب آتی در خط مشی شورای ملی مقاومت وجود ندارد چرا که از منظر این شورا سرنگونی جمهوری اسلامی و قدرت گیری مریم رجوی با حفظ و صیانت سیستم اقتصادی مسلط و تامین منافع سرمایه داری و محفوظ نگاه داشتن نهادهای مذهبی حتی در چهارچوب دستگاه سیاسی قبله آمل می باشد. از طرف دیگر شعار لیبرالی نه به جنگ و نه به جمهوری اسلامی مبشر هیچگونه راه حلی جهت گسترش جنبش انقلابی جهت بزیر کشیدن بساط بارگاه سرمایه داری نمی باشد. این "نه" پیام آور و نشاندهنده هیچگونه آلترناتیو انقلابی نمی باشد و مثل هر تاکتیک دیگری در این حزب برخاسته از همان خاستگاه تاکتیکی آنان حول تئوری مراحل می باشد. در واقع اگر تاکتیک مجاهدین در اعداد جریانها اپوزیسیونی بورژوا-

امپریالیستی خود را تبیین و بازتولید میکند، تاکتیک "نه" حزب کمونیست کارگری تلاش عاجزانه و عاقبت طلبانه روشنفکران خرده بورژوا در بارگاه بورژوازی را بازتاب میدهد و "نه" فوق الذکر حداکثر توانش تا گام نهادن برای سرنگونی است یعنی جائیکه درست دوش بدوش جریانهای اپوزیسیونیهای بورژوا-امپریالیستی البته از نوع سلطنت طلبان قرار میگیرد.

(بقیه در صفحه ۲)

### شورای مدافعان نظم بورژوا-امپریالیستی!

تمامی اخبار و رویدادهایی که حول جنبش انقلابی جاری در جریان است حکایت از آن دارد که صفوف انقلاب در تکاپوی گام نهادن به کارزاری گسترده تر از پیش است. در مقابله با صفوف انقلاب، اردوگاه ارتجاع حاکم نیز در کار تحرکاتی جدید نه تنها به منظور سرکوب عریان بلکه گمراه ساختن دور جدید تحرکات انقلابی پیرامون کشاکش هسته ای و تهدیدات خارجی می باشد. در چنین شرایطی ما نیاز داریم که جهت برونرفت آگاهانه از اوضاع فوق با نگرشی انقلابی به ارزیابی مولفه های نوینی که در جنگ میان صفوف انقلاب و ارتجاع حاکم پدیدار گشته است پاسخی در خور بدهیم. و در عین حال بایستی مجدانه لیبرال بورکراتهایی را که با توسل به خطر دشمن خارجی در واقع قصد حمایت از دشمن داخلی را دارند در پیشگاه جنبش انقلابی افشا و طرد نماییم. (بقیه در صفحه ۵)

# کارگران جهان متحد شوید!

برای صیانت مدنیت بورژوا-امپریالیستی از گزند انقلاب آتی و فریب توده های انقلابی با مشتی اباطیل بورژوا لیبرالی پیرامون مدنیت و انتخابات است. آقای مدرسی چنان به لجنزار لیبرالیسم بورژوائی فرورفته که در پرتو این سقوطش ظاهراً آقای تقوائی یک "انقلابی دو آتشفشان" به نظر میآید. روشنفکر بورژوای حکمتی در وحشت از ریزش مدنیت بورژوائی در دوران صلح آمیز تماماً عنان اختیار را از دست داده است و به صراحت خواهان حفظ ماشین دولتی گردیده است. او نماینده تیپیک همان روشنفکران صلح طلب خرده بورژوائی است که از فرط وحشت فرو ریزی جامعه بورژوائی ایران نمیتواند بپذیرند که بر اساس سنن بلشویسم انقلابی در جریان جنگی ارتجاعی-البته اگر جنگی بوقوع بپیوندد- وظیفه انقلابیون کمونیست این است که بی محابا در مقابله با عجز ولایه های اپورتونیستی در مورد "دفاع از میهن" و یا به بیان امروزی "دفاع از مدنیت" بی هیچ وحشتی اعلام نمایند که مقدم و قبل از هر امر دیگری: دشمن در خانه است و قبل از هر امر دیگری باید کار را با بورژوازی خودی یکسره کرد. کمونیستهای انقلابی بی هیچ وحشتی اعلام میکنند که در مقابله با این دفاع طلبی مدنی به اردوگاه شکست طلبی انقلابی تعلق دارند. این امر نه تنها سرنگونی جمهوری اسلامی بلکه در برگیرنده تمامیت حیات طبقات حاکمه و مقابله انقلابی با هر تجدید سازمان نوینی در صفوف ارتجاع بورژوازی و جریانات اپوزیسیونی بورژوا-امپریالیستی را در بر خواهد گرفت. این آن جبهه جنگ انقلابی است که کمونیستها وظیفه دارند در مقابله با هر ترفند بورژوا-امپریالیستی که قصد تجدید سازمان در صفوف بورژوازی را دارد بایستی در دستور نهند. در یک کلام این جبهه انقلاب است که در شرایط جدید در کار گسترش نبردی همه جانبه و برپائی یک جنگ داخلی جهت تداوم نبرد انقلابی بر علیه ارتجاع بورژوازی است، نبردی که ناگزیر به یک رویارویی انقلابی بر علیه تهدیدات امپریالیستی گام خواهد نهاد.

به موازات این طرح ها حزب حکمتیست (با امضاء حمایتی اتحاد کمونیسم کارگری) نیز به اعلام طرحی نوین تحت عنوان "بیانیه علیه جنگ و در دفاع از مدنیت جامعه ایران" مبادرت نمودند. چنانکه تیترا بیانیه اعلام میکند حزب حکمتیست همگان را به حفظ "مدنیت" جامعه ایران فرامیخواند. بدون تردید آنان خواهان حفظ مدنیته هستند که موجودیت دارد یعنی خواهان حفظ ارگانهای هستند که هم اکنون و از طریق آن ارگانها ارتجاع حاکم به نظم و نسق سرمایه دارانه امور میپردازد. این مدنیت مشمول ارگانهای مالی و حقوقی و دیپلماتیک میباشد و در واقع باید گفت دفاع از مدنیت جامعه سرمایه داری چیزی جز دفاع از سلطه ماشین دولتی بورژوازی در دوران صلح نمیشد و حزب حکمتیست همگان را فرامیخواند که جهت تداوم شرایط کنونی به مقابله با تهدید جنگ برخیزند. اگر چه آنان در موضع یک عافیت طلبی بورژوائی از سرنگونی جمهوری اسلامی سخن میگویند، اما در همانحال با دفاع از مدنیت بورژوائی نشان میدهند که خواهان تداوم سلطه طبقات حاکمه-سرمایه داران و زمینداران- در شرایط صلح بورژوائی هستند. بدین لحاظ است که متعاقب بیانیه دفاع طلبانه اشان برنامه ای چند ماده ای در دفاع از آزادی های بورژوا دمکراتیک ارائه میدهند که در صورت تحقق این آزادی ها بزعیم حکمتیستها شرایط برای انتخابات جهت تعیین حکومت جایگزین فراهم خواهد شد. آنان به نام کمونیست جهت مقابله با جنگ، اول رای بر حفظ ماشین دولتی میدهند و سپس کارگران را فرامیخوانند که بدون هرگونه آلترناتیو کارگری-انقلابی صرفاً به شعار آزادی (مندرچ در برنامه چند ماده ای ذیل بیانیه) بسنده کنند تا بعد از طریق انتخاباتی، که معلوم نیست چه کسی برگزار خواهد کرد، نوع حکومت را تعیین نمایند. از این صریح تر نمیتوان سیاست همه با هم البته با رهبری مدنیت بورژوائی را به اسم کمونیسم مدنی به خورد جنبش اعتراضی-انقلابی داد. اگر نام این لیبرالیسم نیست، پس حفظ ماشین دولتی و حذف آلترناتیو از مبارزات کارگران و زحمتکشان را چه میتوان نامید. این دادن تضمین به صفوف ضد انقلاب بورژوازی

## سرنگون باد جمهوری اسلامی!

تمامی آن درخواستهای انتهائی بیانیه حزب حکمتی، هیچ تضادی با سلطه طبقات حاکمه سرمایه داران و زمینداران و هیچ رویارویی با ماشین دولتی بورژوائی نداشته و در جهت امکان تجدید سازمان آن بیان گشته اند. اگر در جریان جنگ ارتجاعی ایران و عراق این شلیک توپها در جبهه های نبرد بود که تمامی پلشتی تئوریک و پراتیکی را عیان ساخت اکنون تنها تهدیدات جنگی کافی بود تا بسیاری از رفیقان نیمه راه و اپورتونیستهای حراف که خویش را در سخن الترا چپ مینمایانند، تمامی رذالت و عقب ماندگی پنهان خویش را عیان سازند و با اعلام انواع و اقسام طرحها که هدفی جز صیانت از نظم بورژوا-امپریالیستی ندارند، بر آن جنگ واقعی که هم اکنون میان صفوف انقلاب و ضد انقلاب در جریان است پرده ساتر بکشند. بیانیه دفاع از مدنیت حکمتیستها در بند پنجم پیرامون قدرت حاکمه پس از جمهوری اسلامی تصریح میکند: "۵- تعیین نظام سیاسی آینده در ایران حق بی چون و چرای مردم ایران است. مردم باید امکان بیابند که آزادانه و آگاهانه در مورد نظام آتی ایران تصمیم بگیرند. اولین شرط تضمین این آزادی سرنگونی جمهوری اسلامی و تضمین آزادیهای سیاسی و اجتماعی است." این عبارات کشدار و دو پهلو را ما مستقیماً از بیانیه نقل کرده ایم. البته نظیر چنین عبارت پردازی لیبرالی را میتوان در نشریات هر جریان لیبرال بورژوائی یافت که قسم به آزادی و اصرار بر "حق مردم" را تضمین پایبندی جهت ادعاهایشان میسازند. ناگفته پیداست که حزب حکمتیست جهت پیشبرد سیاست دفاع طلبانه همه با هم در اولین گام آلترناتیو پرولتری را از بیانیه اش حذف نموده تا همگان بتوانند در یک جنبش عمومی به دفاع از مدنیت بورژوائی برخیزند تا بعد تکلیف حاکمیت را معلوم دارند. مکانیسم این عمل در لابلای دوپهلوی گوئی گم گشته است اما ناگفته پیداست که راه حل مدنی جهت آنچه حزب حکمتیست "حق بی چون و چرای

مردم ایران" و امکان تصمیم آزادانه و آگاهانه میخواند چیزی جز فراندوم و مکانیسمی نظیر آن، نمیتواند باشد. پس ما را فرامیخوانند که در یک جنبش دفاع از مدنیت بورژوائی، جمهوری اسلامی را سرنگون کرده و با اتکا بر مکانیسم مدنی در همان سیستم، شاید تحت نظارت سازمانهای مدنی بین المللی، مردم آزادانه به انتخاب سیستم حکومتی پردازند. کدام فعال کمونیست و واقعاً دموکراتی است که در لابلای این خطوط دوباره سناریو جنبش همه با هم پنجاه و هفت را مشاهده نکند؟ البته بیانیه سعی نموده تا با ردیف کردن چند فقره آزادیهای بورژوائی به ما تضمین دهد که حزب حکمتیست قصد فراتر رفتن از پنجاه و هفت را دارد و آن جبهه ای که آنان در دستور دارند همان جبهه ضد دیکتاتوری حزب توده در آن سالها نمیشد. نگاهی گذرا بدان بیندازیم: "۶- ما پایبندی خود را به رعایت و تضمین حقوق زیر برای مردم ایران اعلام میکنیم: الف- آزادی بی قید و شرط عقیده، بیان، مطبوعات، اجتماعات، تشکل، تحزب و اعتصاب ب- برابری کامل و بی قید و شرط زن و مرد در حقوق مدنی و فردی. لغو کلیه قوانین و مقرراتی که ناقض این اصل است. پ- برابری کامل حقوق همه شهروندان، صرفنظر از عقیده، جنسیت، مذهب، ملیت، نژاد و تابعیت. ت- اعلام جدایی کامل مذهب از دولت و آموزش و پرورش. ث- لغو کلیه قوانین و مقرراتی که منشا مذهبی دارند. اعلام آزادی مذهب و بی مذهب. ج- آزادی کلیه زندانیان سیاسی. چ- لغو مجازات اعدام. ح- بیمه بیکاری مکفی برای همه افراد آماده بکار بالای ۱۶ سال. پرداخت بیمه بیکاری مکفی و سایر هزینه های ضروری به کلیه کسانی که به علل جسمی یا روانی توان اشتغال به کار را ندارند."

## برقرار باد حاکمیت شوراهای مسلح کارگران و زحمتکشان!

بورژوائی را جهت حفظ شیرازه جامعه!! در دستور روز نهیم. درست در زمانی که ما در کارخانه و دانشگاه در کار برپائی و تدارک جنگی انقلابی بر علیه "مدنیت" حاکم هستیم، آنان از ما میخواهند که در دفاع از مدنیت به مقابله با تحریمها برخیزیم، مقابله با فرو ریختن شیرازه جامعه را در دستور گذاریم، یعنی در یک کلام در رکاب جناح عافیت طلب بورژوازی قرار بگیریم. بزعم حکمتیستها ما بایستی به میدان بیائیم و انرژی و نیروهایمان را صرف تخفیف بحران در اردوگاه بورژوازی کنیم. به روشنی آشکار است که این جز بیان منافع جناحهای اپوزیسیونی طبقات حاکمه موبد هیچ امر دیگری نمیتواند باشد و حکمتیستها بیشترمانه این درخواستهای دفاع طلبانه از مدنیت بورژوائی را با پوشش مارکسیسم و کمونیسم ارائه میدهند. بدون تردید آنکه خود را کمونیست مینامد اما قادر نیست آن جنگ انقلابی را که هم اکنون میان صفوف انقلاب و ضد انقلاب حاکم در جریان است را ببیند، یک واداده و تسلیم طلب زیون بیش نیست. باید این رکاب داران بورژوازی عافیت طلب را در پیشگاه کارگران انقلابی افشا و طرد نمود. باید پرچم درخواستهای پرولتری، پرچم درخواستهای جبهه انقلاب دال بر نابودی ماشین دولتی، برقراری دولت کمون و جایگزینی حاکمیت شوراهای مسلح کارگران و زحمتکشان را به مثابه نتیجه بلاواسطه سرنگونی جمهوری اسلامی و گسترش انقلاب جهت تحقق سوسیالیسم به گسترده ترین شکلی ترویج و تبلیغ نمود. بحران در اردوگاه بورژوازی را بایستی به شرایط تفوق صفوف انقلاب بر ارتجاع و امپریالیسم مبدل نمود. از هم اکنون بایستی با مجاهدتی بلشویکی به شکلی همه جانبه پرچم نان، آزادی، سوسیالیسم را در صفوف نبردهای اعتراضی-انقلابی برافراشت. حکمتیستها و مانیفستشان تماماً بر علیه این نبرد و شعار انقلابی صف آرائی کرده اند. ما بکار برپائی ستاد جنگی انقلاب کارگران و زحمتکشان خواهیم پراخت و آنان را که در منجلا ب لیبرالیسم غلطیده اند به همگان نشان خواهیم داد. آقایان! کارگران و زحمتکشان عزم کرده اند که مدنیت بورژوائی آنان را بر سرتان خراب کنند.

حزب حکمتیست بدینوسیله به جنبش دفاع طلبی مدنی تضمین میدهد که به آزادیهای برشمرده بالا پایبند خواهد بود. در واقع امر بیانیه و بندهای انتهائی آن بیان مانیفست نوین حکمتیستها در مقابله با شرایط نوین است. مانیفستی که شعار اساسی اش را دفاع طلبی از مدنیت بورژوائی تشکیل میدهد و برنامه عملی اش حول یک جریان همگانی و همه با هم از موضع بورژوائی تبیین میشود تا جائیکه کوچکترین اشاره ای به مطالبات کارگری-انقلابی مورد تردید قرار میگیرد. ما هرچه که بر بندهای بالا نظر انداختیم نتوانستیم کوچکترین تضمینی جهت تحقق مطالبات روزمره کارگری در آن بیابیم ظاهراً تحقق مطالبات ما امری متعلق به آینده است و یا شاید هم ما باید قبول کنیم که بیشتر از حق اعتصاب البته در چهارچوب مدنیت، هر درخواست دیگری از جانب ما میتواند زیاده خواهی تلقی شود و در صفوف "مردم"-خلق- ایجاد تشنت کند. این اتفاقی نیست که هیچ بندی در مورد تشکلهای کارگری وجود ندارد زیرا بیانیه تمامی هم و غم اش متوجه "مردم" است و آنهم صد البته مردمی که درخواستهایشان در قالب دفاع از مدنیت بورژوائی بگنجد. اما کار به همینجا ختم نمیشود زیرا در کنار ما حقوق "ملتهای" ساکن ایران نیز بکلی مورد فراموشی "مدنی" قرار گرفته است و دهقانان و زحمتکشان شهر و روستا هم که از قضا اساساً موجودیت ندارند. راستی این جبهه ما- صفوف انقلاب- اگر نیست پس جبهه کدام نیروهاست؟ جبهه مدنیت، جبهه لیبرالیسم و در یک کلام جبهه وحشت زدگان از رادیکالیسم انقلابی، جبهه فراریان از انقلاب است. کدام بورژوا-لیبرالی است که در هنگامه گسترش جنبش انقلابی از چنین ادعاهائی پیرامون آزادی همگانی خودداری ورزد؟ کدام بورژوا-لیبرالی است که در هنگامه اوج گیری رادیکالیسم انقلابی از وعده آزادی به جنبش انقلابی استنکاف ورزد و در همان حال طرح آلترناتیو پرولتری را موجب تشنت جنبش همگانی مدنی ارزیابی نکند؟ حزب حکمتیست ما را فرا میخواند که از درخواست نابودی ماشین دولتی دست بکشیم و فعلاً به دفاع از جامعه مدنی بپردازیم. آنان ما را فرامیخوانند که درخواست برقراری دولت کمون را به کناری نهیم و دفاع از مدنیت

## مرگ بر ارتجاع و امپریالیسم!

بدون هیچگونه تردیدی بحرانی همه جانبه سرپای ارتجاع حاکم را فراگرفته است. این بحران که از سوئی حول تشنجات بین المللی و در جریان شدت گیری رقابتهای امپریالیستی حول منطقه خاورمیانه هر روز از ابعاد وسیعتری برخوردار میگردد، در ایران خود را در قالب سناریوی بحران هسته ای نمایانگر میسازد. و از سوی دیگر بحران گریبانگر ارتجاع حاکم متأثر از کشاکش گسترش یابنده ای است که حاصل تقابل آشکار نبرد اعتراضی-انقلابی کارگران و زحمتکشان انقلابی و تمامیت ارتجاع حاکم و نظم سرمایه دارانه حاکم است. مبارزه امپریالیستی جهت تجدید تقسیم مناطق نفوذ در خاورمیانه طبعاً مشمول ایران به مثابه منطقه نفوذ امپریالیستی نیز گردیده و اردوگاه ها و منافع متضاد امپریالیستهای رقیب را رودرروی یکدیگر قرار داده است. این بحران تداوم منطقی و متأثر از همان نبردهائی است که تا پیش از این افغانستان، عراق و لبنان را به صحنه خونین ترین رویارویی ها کشانده بود. تمامی سعی جمهوری اسلامی این است که بحران منبعت از تجدید تقسیم امپریالیستی در منطقه را به ابزاری تبلیغاتی بر علیه تحركات انقلابی جنبش کارگران و زحمتکشان مبدل نماید و در سایه همین تبلیغات ارتجاعی به قلع و قمع نیروهای معترض و انقلابی مبادرت نماید. جمهوری جنایت با تبلیغات کنونی قصد دارد که شرایطی مشابه آنچه که در جریان سناریوی "تسخیر سفارت امریکا" و شعار "مرگ بر امریکا" سازمان داد را پدید آورد و از آن جهت سرکوب نظری جنبش اعتراضی-انقلابی سود جوید. این اتفاقی نیست که احمدی نژاد خبر از تدارک برپائی جبهه صلح بتوسط مرتجعین را میدهد. جبهه ای که نه تنها متحدین خارجی خود را در باصطلاح کشورهای "ضد امپریالیست"-ضد امریکا خواهد جست بلکه در داخل نیز پادوهای وجیه المله بسیاری را به حرکت وا خواهد داشت. ظاهراً تحت عناوین گوناگون اکنون جبهه ضد جنگ سازی اذهان بسیاری را بخود مشغول داشته است. آقای زرافشان در پی برپائی جبهه ضد جنگ است و خانم عبادی به همراه جمعی از ملی-مذهبی ها "شورای ملی صلح" را با شعار: جنگ نه،

صلح و حقوق بشر آری، برپا داشته است. او در ضرورت این مسئله جدای از طرح تشدید تخاصمات دو طرف و تصریح کردن این امر که "انرژی هسته ای حق مسلم ماست" بر حقوق دیگر اشاره کرده و اضافه میکند: "انرژی هسته ای حق مسلم ما است ولی ما حقوق دیگری هم داریم از جمله زندگی در صلح و داشتن امنیت. پافشاری در مورد یک حق نباید موجب شود ما حقوق دیگر خود را از دست بدهیم." و همچنین میافزاید: "طی سی سال گذشته، یک انقلاب و هشت سال جنگ بوده و مردم خسته هستند و خواهان صلح و آرامش هستند." سازمان فدائیان خلق (اکثریت) با صدور بیانیه ای تحت عنوان: علیه جنگ، علیه جمهوری اسلامی، برای صلح، آزادی، حقوق بشر و دموکراسی خواهان تقویت جبهه صلح و پیوند آن با مبارزه برای دموکراسی و حقوق بشر گردیده است و در اینمورد مینویسد: ( ۵. گرچه همانند دوره قبل از حمله نظامی امریکا به عراق، جنبش صلح فعال نیست، ولی بتدریج جنبش صلح در حال شکل گیری است. باید جنبش صلح را تقویت کرد و با پیوند دادن شعارهای صلح طلبانه با امر دموکراسی و حقوق بشر و مبارزه با بنیادگرایی اسلامی، اجازه نداد که جمهوری اسلامی جنبش صلح را بفع خود مصادره کند. باید در کارزار جهانی علیه جنگ شرکت کرد و جنگ طلبان دو طرف را افشا نمود. نیروهای اپوزیسیون نمیتوانند و نباید در مقابل جنبش صلح منفعل بمانند و آن را به جمهوری اسلامی بسپارند بگونه ای که نیروهای صلح طلب جهانی در کنار نیروهای جنگ طلب جمهوری اسلامی قرار گیرند. باید با پرچم مبارزه علیه جنگ و جمهوری اسلامی و برای صلح، آزادی، حقوق بشر و دموکراسی در جنبش صلح شرکت فعال نمود. ۶. برآمد نیروهای اپوزیسیون، همکاری و اقدام مشترک آنها در جلوگیری از وقوع جنگ، پیشبرد سیاست سوم و شرکت فعال در جنبش صلح در شرایط کنونی امری است مبرم و ضرور. باید کوشید که همکاری و اقدام مشترک نیروهای آزادیخواه و صلح طلب شکل گیرد.) بیانیه فدائیان

## زنده باد سوسیالیسم!

اسلامی و یا مدافعه اشان از جایگزینی جمهوری اسلامی بر بستر مدنیت بورژوا-امپریالیستی، یک نکته روشن است که آنان به اردوگاه انقلاب آتی نه تنها تعلق ندارند بلکه به تناسب وضعیتشان با آن به مقابله هم بر خواهند خواست. در واقع امر سایه جنگ تمامی اردوگاه روشنفکران بورکرات را که با هزار و یک بند به ماشین دولتی بورژوازی و نظم و نسق سرمایه دارانه متصل میباشند، جهت حفظ مدنیت بورژوا-امپریالیستی به میدان کشانده است تا با احتجاجات ظاهراً متفاوت وظیفه تاریخی خویش را در قبال دستگاه گنبدیده نظم سرمایه دارانه تحقق بخشند. دستگاهی که جنبش انقلابی-اعتراضی کارگران و زحمتکشانشان در یک جنگ دو دهه ای با آن بسر میرد. جنگی که تمامی این اردوگاه مداحان مدنیت بورژوا-امپریالیستی بر آن چشم بسته اند. و دقیقاً انکار همین جنگ انقلابی است که آقای زرافشان را واداشته تا اعلام کند که: "آقای دشمن در خانه ما را زده است." آقای محترم! دشمن در خانه است. سالهاست که این دشمن در جریان یک جنگ نابرابر به هر نشانی از انقلاب یورش آورده است. باید کر بود و فریاد کارگر انقلابی هفت تپه را که وجود این جنگ را اعلام کرد، نشنید. باید کور بود و دارهای خیابانی را، که هجوم شبانه نقابداران مزدور به خانه های ما را، که به خاک و خون کشیدن جوانان کرد و بلوچ را، که یورش وحشیانه خیابانی به زنان را، که ترور فعالین کارگری را، که دستگیری و به بند کشیدن دانشجویان را، که به بند کشیدن کارگران اعتصابی را، که اینهمه صحنه های جنگ نابرابر ارتجاع و انقلاب را ندید. آقای محترم! دشمن در خانه است و از همان لحظه ی تولد ارتجاعی اش در دامان "گوادلوپ" با دار و تازیانه و درفش به تاراج خانه ما اقدام کرده است، ما را فریب ندهید، چراکه تا تکلیف این دشمن خانگی را یکسره نکنیم، تا آنان را از بارگاه ملکوتی اشان بزر نکشیم، قادر نخواهیم بود که از این اوضاع قرون وسطائی چه در شرایط صلح آمیزش و چه در شرایط جنگی اش یک گام به پیش نهم. سیاست امروزی ما تداوم همین جنگ

اگر شورای ملی صلح از زبان خانم عبادی صریحاً انقلاب را امری مقابل "آرامش" قرار داده و اذعان میدارد که مردم خواهان "آرامش" هستند، بیانیه فدائیان خلق بر تضادهای درون حکومتی انگشت نهاده و پایه تحلیل اش را بر جناح جنگ طلب و یکدست شدن حاکمیت به نفع آنان ارزیابی میکند و خواهان مقابله با جنگ از طریق "مذاکره" میباشد. ناگفته پیداست که طرف مذاکره کننده هم باید همان جناحی باشد که تا قبل از این خواهان حل مسئله از طریق مذاکره بوده است. همین امر در تمامی ابراز مواضع موسسین شورای ملی صلح نیز سایه انداخته است. برای هر دو جریان هم مسئله دموکراسی و حقوق بشر به انتخابات آتی گره خورده است. پایه اساسی در تحلیل و تبیین شرایط جدید برای این جریانات بورژوائی را نفی ضرورت انقلاب و ضرورت بزر کشیدن طبقات حاکمه-سرمایه داران و زمینداران- تشکیل میدهد. در واقع امر این جریانات بر مبنای و بستر تشدید رقابت در صفوف ارتجاع حاکم شکل گرفته اند و به هیچ روی قصد مقابله با تمامیت ارتجاع حاکم را نداشته و همچون زائده ای از اختلافات درونی حاکمیت در پی مشروعیت بخشی به باصطلاح جناح هوادار "مذاکره" و تخفیف بحرانی که سرپای ارتجاع حاکم را در بر گرفته است، میباشند. بدین علت است که محور بیانیه اکثریت حول "نیروهای جنگ طلب جمهوری اسلامی" قرار گرفته است. آنان خواهان افشای جنگ طلبان دو طرف میباشند. ظاهراً تئوری باندهای سیاه که تاریخاً تئوری توجیه گر همکاری امثال اکثریت-حزب توده و سایر دارودسته های بورژوائی با ارتجاع حاکم بود اینبار در لباس "نیروهای جنگ طلب" حیات مجددی یافته است. هر دو جریانات چون حزب حکمتیست بر سر عواقب جنگ داد و فغان براه انداخته و به مردم امکان "تجزیه" را گوشزد مینمایند، حزب حکمتیست طابق النعل بالنعل همین خزعبلات را در لباس مارکسیستی و در دفاع از مدنیت جامعه ایران تکرار کرده است. با وجود هر تمایزی در این جریانات دفاع طلب و چگونگی مدافعه اشان از جناحی از جمهوری

**بدون مبارزه بر علیه اپورتونیسیم مبارزه بر علیه سرمایه داری امکانپذیر نیست!**

خستگی نخواهیم کرد. ما این دشمن خانگی را بزیر خواهیم کشید و آرامش اردوگاه بورژوازی را بر هم خواهیم زد. باور کنید خانم عبادی که شما و یاران اکثریتی اتان و هر اپورتونیست دیگری قادر به حفظ این بنای کهنه نخواهید بود. عزم ما و حکم تاریخ بر سرنگونی محتوم آنان قرار گرفته است.

ما در پی انتشار ارگانمان بودیم که بیانیه اعلام حمایت فدائیان اکثریت در دفاع از شورای ملی منتشر گردید. همین مسئله بخودی خود بیانگر آن است که صفوف ضد انقلابیون بسرعت در حال متشکل کردن خویش هستند. صفوف انقلاب و تمامی آنانی که برای نان و آزادی و سوسیالیسم میجنگند بایستی با جدیتی انقلابی جهت گردآوردن صفوف انقلاب و پای نهادن متحدانه در میدان جنگ داخلی گام به پیش نهند. ما چه خواهیم و چه نخواهیم این اردوگاه ها در حال صف آرائی هستند. پس با تمام قدرت بسوی پرچم افرازی آلترناتیو انقلابی گام برداریم.



**رفقا !**  
**رزمندگان نیازمند**  
**یاریهای شماست !**

razmandehi@yahoo.com

انقلابی است که سالها در تدارک آن بوده ایم. سیاست برپائی جنگ داخلی بر علیه ارتجاع حاکم بیانی صریح از عزم کارگران و زحمتکشان در بزیر کشیدن دشمن ارتجاعی حاکم و تمامی مدنیت بورژوا-امپریالیستی است. باید پیش از هر امر دیگری این دشمن خانگی که در بند وابستگی مالی-دیپلماتیک به اردوگاه امپریالیست و حامی نظم بورژوا-امپریالیستی است را بزیر کشید، تنها در آنصورت است که صفوف انقلاب در تداوم نبرد انقلابی اشان قادر به دفاع از خویش در مقابل هر تحرک ارتجاعی و امپریالیستی خواهند بود. برخلاف آنچه که خانم عبادی ادعا میکند، نبرد ما در این سالها هرگز نشانی از خستگی و جستجوی آرامش در زیر سرنیزه جلادان را بر خود نداشته است. نبرد ما هر لحظه از کارخانه و دانشگاه زبانه کشیده، در کردستان و بلوچستان و خوزستان به مقابله تمام عیار با مزدوران ارتجاع حاکم کشیده شده است، در عرصه خیابانها با صورتی خونین زنان انقلابی به اعلام حقوق اشان برخاسته اند و امروزه دیگر سخن بر سر این نیست که آیا جمهوری جنایت بماند یا نه بلکه امروز ما در تدارک اهرمهایی هستیم که اجازه ندهیم باردیگر جنبش ما نظیر سال پنجاه وهفت وثیقه جایگزینی جناحی از بورژوازی گردد. ما تا بزیر کشیدن تمامیت مدنیت بورژوا-امپریالیستی و پایان بخشیدن به تمامی نظامات قرون وسطائی در روستاها و تا تحقق حقوق ملت‌های ساکن ایران و شکست قطعی شونیسم فارس، تا تحقق عملی وهمه جانبه برابری حقوق زن و مرد، تا تحقق گسترده ترین آزادی های سیاسی و اجتماعی، و بالاخره تا برقراری حاکمیت شوراهای مسلح کارگران و زحمتکشان و تحقق عملی شعار: نان، آزادی، سوسیالیسم، برای لحظه ای هم احساس

**یک درخواست انقلاب: حق ملل در تعیین سرنوشت خویش تا برخورداری از حق جدائی است!**